

مدیر کل

جلال‌الدین‌الحسینی مؤیدالاسلام
 صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
 و یومیه (جبل‌المتین)
 (عنوان مراسلات)
 طهران خیابان لاله زار
 نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی
 دبیر ادارا آقا شیخ یحیی کاشانی
 غیر از روزهای جمعه همه روزه
 طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل‌المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ قران
 سایر بلاد داخله ۴۵ قران
 روسیه و قفقاز ۱۰ منات
 سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران صد دینار
 سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است

چهارشنبه ۲ شعبان المعظم ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۳ شهریور ماه جلالی ۸۲۹ و ۱۱ سپتمبر ۱۹۰۷ میلادی

سیاسی

(راجع بشماره قبل)

سخن درنمره قبل بدینجا رسید که مامورین دولتین
 معاهدتین صرفه و صلاح حال ایران را در یک استقراض
 جدیدی خواهند دید و چون از یک طرف پنج ملیون
 ملا مصارف تائین داخله را طلب دارند و از طرفی
 فروض سابقه هم باید اداء شود و این دو حق ثابت ما را
 مجبور میکند که تا درجه اطاعت و تمکین نمائیم شروط
 این استقراض جدید عبارت خواهد بود افلا از ده فصل
 که امضاء آن فصول کتاب استقلال ما را بختامه خواهد
 رسانید چنانکه از مندرجات روزنامه و یلز که در نمره
 اول سال یانزدهم روزنامه هفتگی جبل‌المتین ترجمه
 شده است فی الجمله از این معنی حکایت میکند —

یکی از شرایط آنستکه مامورین انارجات مالیه
 ایران باید حتما از طرفی دولتین مقرر شود و مامورین
 جزء را هم آنها مین نموده زمام اختیارات را در کلیه
 سرحدات بلکه بلاد داخله نیز بر عهده گرفته بگی دست
 مامورین داخله را از عمل کوتاه نمایند — محتاج بتوضیح
 نیست که یکنفر مستخدم بلژیکی بمجرد آنکه زمام کار
 کمرکات ایران یا استقلال با او کردید چه قدر نفوذ
 اجانب را زیاد کرد و چگونه مستخدمین ایرانی تراد را
 خار و بی مقدار ساخت در صورتیکه در هر ساعتی میخواستیم
 عزل او را قادر بودیم و هیچنوع اقتداری در ملک ما
 نداشت صورت تفرقه جدید کمرکی را هر کس دیده
 میداند این نمک بهرام چه خیانتها بمملکت ما کرد و تا
 چه اندازه قدرت روس را افزود و با جنس ایرانی

چه نحو سلوک نمود؟ با اینحال پیداست که مامورین روس
 و انگلیس با وجود تسلط تامه و قدرت کامله و صاحب
 طلب بودن چه سان سلوک خواهد نمود؟ واقعه دانشوای
 مصر را هر کس خوانده میداند که مطلب چیست
 چندین نفر مصری را برای کشتن یکنفر انگلیسی بر دار
 زده و جمعی را هم بمدتهای مختلفه حبس نموده چه
 بیرحمی از لورد کر و مر سرزد که هر کر از صفحه
 تاریخ نحو نخواهد شد — دیگر آنکه همین وجه استقراض
 وقتی که در تصرف خود آنها باشد طوری مصری خواهند
 کرد که باز اکثری بملک خودشان مراجعت کند —
 شرط دیگر آنکه تمام امتیازاتیکه دولت ایران میدهد اعم
 از داخله یا خارجه باید باستصواب و امضاء و رضایت
 دولتین باشد — پس باین قرار نه یک امتیاز کاغذسازی
 را داخله خواهد گرفت و نه یک کارخانه احدی از رعایای
 ما خواهد توانست دائر کند اختیار همه امتیازات
 بدست مامورین مزبور خواهد بود و آنها هم بهر
 وسیله باشد تبه خود را بر ما مقدم داشته بکاره
 زمام اختیارات تجارتنی با تجار روس
 و انگلیس خواهد کردید — شرط دیگر آنکه این مامورین
 از طرف ایران موجب و حقوق خواهند گرفت و
 سالیانه مبلغی از قدیمه ایران را در ازاء خدمت بدولت
 متبوعه خویش تصاحب خواهند نمود همان حکایت
 لورد کرومر و مصر است که در پارلمان گفتند در ازاء
 گرفتن مصر را برای انگلیس پنجاه هزار لیره از مالیه
 مصر باید بدو داده شود — شرط دیگر آنکه کلیه مواد
 ناهه ایران برای ضمانت این قرض داده خواهد شد
 پس مسادن و سواحل و کمرکات و پست و تلگراف و

مالیات جملگی داخل در مواد مزبوره اند و چون قروض باید از این محل ها پرداخت شود و ایرانیان علم اداره کردن و تحصیل ثروت ندارند پس جملگی را مامورین دولتین مراقبت نموده تصرفات لازم که منتج از دیاد دخل است لدی الاغتضا بنمایند - وزراء ایران باید دست نشاندۀ مامورین خارجه بوده ذرۀ حق تخلف از اوامر و نواهی آنها ندهات باشند یاد دارم در چند سال قبل یکی از مصلحان کتبی کلاسیک برای شاگردان مدارس نوشته و وزیر معارف مصر تقدیم کرد وزیر پسندیده حکم نمود چندین جلد او را خریده بمدارس دولتی تقسیم کنند این خیر بمشاور معارف که از جانب انگلیس مقرر است میرسد با کمال تفریح رد کرده میگوید اگر وزیر میخواهد باید وجه آنرا از جیب خود بپردازد و غرض اصلی او از این تشدد ضعیف نمودن قوت وزیر مصری است تا مردم بجهت صاحب اختیار گشت و با کسی باید مراوده و تعلق نمود - البته وقتی این قرضه بعمل آمد و مامورین دولتین ورود کردند و در تمام ادارات دخل و تصرف نمودند صلاح چنان خواهد دید که معارف ایران راهم ترقی داده در آتیه آدم کاری داشته باشند پس یکنفر انگلیسی بسمت مستشاری معارف بر قرار خواهد شد و مثل مصر زبان رسمی مدارس را انگلیسی خواهد قرار داد اگر روس مدعی خود زبان دوم را روسی معین خواهد نمود چنانکه در مدارس مصر تمام روس زبان انگلیسی تدریس میشود و زبان عربی ابدأ محل اعتناء نیست البته اطفال ما هم برسوم و عوائد انگلیسی تربیت شده هوا خواه دولت انگلیس خواهند گردید احساسات ملی آنها بکلی ممدوم و مفقود شده دوستدار انگلیسان خواهند بود بهر حال بسط مقال باضیق صفحات ممکن نیست از همین مختصر بیکر مطلب بدست آمد -

خوب مضمون این دو ماده اول با ماده سیم منافات کلی دارد زیرا که داخل بودن اصفهان و کرمانشاهان در حوزه پلتیک روس دلالت صریح بر تقسیم دارد و با استقلال نمیسازد اگر چه تلگرافات امروز خلایق این فصل را حکایت میکنند و خبر میدهند که نفوذ دولتین در تمام ایران منبسط است و همه ایران را بطریق مشاع میدان نفوذ قرار داده از افروز بودنش گذشته اند لکن بقیه ما خبر اول اقرب بصواب است - دیگر آنکه تا بحال هر جا اسمی از نفوذ خود میبردند اقتدار بر تجارت میکردند لکن حالا دیگر پرده را برداشته و بیکاره حرف آخری را میزنند یعنی نفوذ پلتیکی را بدنها میافکنند نمیدانیم یعنی نفوذ پلتیکی چه ؟ و مرادشان از این کلمه

چیست ؟ اگر صرف زور کفتن و تمدی کردن است که مشروع نیست نمیتوان الراجزء حقوق محسوب کرد - حاجی مالک مال مردم را میخورد و بسفارتخانه روس رفته سفیر برخلاف همه قوانین بین الملل از او حمایت میکند ربطی بمطلب ندارد این يك بيقانونی و زور قومی صرفی است و معاهده بدو تعلق نمیگیرد - و اگر مقصود چیز دیگر است پس خوب است توضیح بفرمایند -

تلگرافات امروزی خیالی قبل توجه و اعتناء است و برار باب حل و عقد لازم است بدقت مطالعه نمایند و بکنه امر برخوردند جلوگیری کنند و ماچند امره از آنها را محض نمونه نقل می کنیم :

(عهدنامه بین دولتین انگلیس و روس امروز در پترزبورغ ختم گردیده و با مضای نماینده کار دولتین رسید و پس از آنکه صورت آن با کلیه مندرجاتش بطبع رسید بصحرا رسمی دولتین موشح خواهد گردید

روزنامهجات انگلیس از اختتام عهدنامه انگلیس و روس اظهار شادمانی و مسرت نموده و عقد این موافقت و قرار داد را تبریک میگویند چه این قرار نامه وسیله مجددی خواهد بود برای حفظ و استحکام صلح در عالم

وقایع تکرار روزنامه استاندارد از پترزبورغ تلگرافا اشعار مینماید که بنا بر عهدنامه جدید مسئله نفوذ و استیلای پلتیکی هر يك از دولتین در قسمت معینی از ایران منسوخ گردیده و هر دو بالقوه در تمام مملکت حق نفوذ و تجارت خواهند داشت چنانچه دولت روس قبول نموده که ابواب ولایت شمالی ایران بتجارت و امتیازات تبعه دولت انگلیس مفتوح بوده باشد و از طرفی دیگر دولت انگلیس نفوذ و تجارت روس را در ولایات جنوبی تصویب مینماید)

شیرینی و لعاب کار در اینجا است که دولت روس اذن بدولت انگلیس میدهد که در قاطب شمالی ابواب نفوذ و تجارت خود را باز نماید و انگلیس بروس در سمت جنوب اجازه مرحمت میفرماید ! ! روس در ایران چه کاره است که اذن بدهد یا ندهد از شمال تا جنوب متعلق بخود ما است نه صغیر هستیم که قییم به خواهیم و نه دیوانه و مجنون که ولی لازم داشته باشیم اگر چه مخیر الملک در پارلمان میگوید ملت ایران لله لازم دارد لکن این حرفی بکلی باطل است ایرانی چه رسد رسیده و الله لازم ندارد اگر لله لازم داشت صاحب پارلمان نمیشد زیرا که معنی پارلمان واگذار کردن حقوق و قدرت بخود ملت است که خودی امور خود را منظم کنند و از بین خود و کلاه انتخاب نموده نائب خویش بسازد اگر رسد ندارد حق و کیل انتخاب نمودن هم ندارد باری فدائیم چه مناسبست

این دو دولت ورود بملک غیر را اذن و اجازه بهم میدهند و از کیه مهمان خرج میکنند - اگر در مسئله انک آلمان جلوگیری میکردند و سخت پرست مینمودند که دولتین چه حق مداخله دارند کار بدینجهانمیرسد امروز لازم است که وزیر خارجه ایران صریحاً دولتین اطلاع بدهد که بدون اطلاع درباره ایران هر معاهده راجع بایران منعقد شود باطل است و بهیچ وجه قابل اعتبار نیست هر دولتی با ایران خیال ارتباط دارد مستقیماً باید بخود ایرانیان طرفی شده سؤال و جواب نماید و احدی حق هیچگونه تصرفی ندارد همانطور که ایران در امور راجع بانگلیس باخودش طرفی میشود او نیز مجبور است همین قسم عمل نماید (قیه دارد)

(قبل توجه انشاء بلدی و صاحبان عقول سلیمه) آنچه درباره عمل ارزانی و فراوانی نان که امروزها اهمیتش بیشتر و قابل توجه دانشمندان مملکت است بخاطر این بنده خطور کرده و باید بر حسب ادای تکلیف بعضی اعضای محترم انجمن بلدی رسانیده و بصوم هموطنان عزیز اخطار نماید ایست طهران روزی سیصد خروار گندم برای آذوقه اهالی لازم دارد و این مقدار معتاد را میشود و گذار بمیل شاهسون و باحتکرت نمود که عنان کار دست آنها باشد و بدلتخواه خود هر وقت بخواهند بفروشند هر وقت صلاح ندانند مضایقه نمایند بعبارة آخری ارزانی و کرانی موقوف بمیل و اراده آنها باشد گذشته از این هر وقت هم مستبدین و مفسدین بخواهند مابین دولت و ملت را بهمزده و فساد ظاهر سازند نان را وسیله قرار داده بمقاصد فاسده خود نایل خواهند شد پس باید شالوده ریخت که هم باعث ارزانی و فراوانی نان شود و هم باب مفسده مفسدین سدود گردد بدو باید دانست گرانان نان باعث گرانای مزدور است و گرانای مزدور باعث خرابی مملکت زیرا که ترقی مملکت و تحصیل ثروت بسته بارزانی مزدور است برای آنکه کلیه کارهای مملکتی بوسیله مزدور انجام می یابد اگر مزدور گران باشد کارها معوق ماکولات و سایر لوازمات گران خواهد شد مثلاً بنده چهار راس مال بازکش دارم و میخواهم بپرستم ذوالع ییاورند لابدم از اینکه دو نفر مزدور همین کرده بهمراه مال خاروانه نمایم و از بسکه راه ذوغال در نهایت صعوبت است بکنفر نمی تواند از عبده برآید و این دو نفر مزدور هشت روز باید در راه مطلق شوند هر کدام روزی دوریال مزد میخوانند چهار تومان مزد آنهاست چهار تومان هم مخارج مال ها دو تومان هم قیمت ذوغال کلیتاً ده تومان میشود وقتی که ملاحظه کنیم می بینیم یکخروار بیست من تبریز ذوغال آورده اند و ده تومان مخارج قلع یافته پس ما اگر امروز بگوئیم ذوغال را یکس زی نه هزار دینار بفروشند صرفی نخواهد کرد و ارزان نخواهد شد

(بیتها رخصت نمید)

زیرا که سه هزار دینار متجاوز وارد شده سابق بر این نان یکمن سه عباسی بود و مزدور یکقران میکرد این قبیل چیزها ارزان وارد میشد ولی حالا گندم گران مزدور گران کلیه اجناس گران است عمل نساجی که امروزه اینقدر هوا خواه دارد مهمان موق ماند و پیشرفت ندارد علتش گرانای مزدور است مادامی که مزدور در مملکت مانند مالک زمین ارزان نشود نساجی هم ترویج نخواهد یافت سهل است تمام کارها معوق خواهد ماند و باعث گرانای نان و مزدور دو چیز است یکی بیملی دیگری حرمان بیرحمانه محترکین باید کاری کرد ملت را از چنگ محترکین نجات داد و عنان اختیار نان را بدست خود ملت واگذار کرد و این مسئله دو ترتیب لازم دارد یکی برای حالیه و دیگری برای آتی اگر چه هر دو ترتیب لازم و ملزوم و مربوط بیک دیگرند اولاً بانک سرمایه لازم است که همه وقت چه در طهران و چه در سایر بلاد ایران آذوقه یکساله ملت را فراهم نموده و در تحت نظارت انجمن بلدی بقرار داد ولی حالیه برای آسایش اهالی طهران آنچه بخاطر مرسیده این است سی و پنج هزار خروار گندم دیوانی که متعلق بدولت است باید بانجمن بلدی مرحمت فرمایند و سی و پنج هزار خروار هم اداره بلدی از شهرهای اطراف تحصیل نماید این مقدار گندم را حمل دو آب های دولتی نموده وارد طهران نمایند گندم دولت را از قرار خرواری هشت تومان باقسط بپردازند و گندم اطراف را هم بهمین مقله وارد کنند و گفتیم نجات از چنگ محترک سرمایه میخواهد ملت که نمیتواند بکمر تبه این پولرا بدهد آسایش دائمی و طریق سهولت این است گندم یک هشت تومان وارد میشود نان را یکمن عس عباسی بفروشند و تبریزی قرار بدهند که در ازای یکمن دو عباسی اضافه ملت تبر بگیرد و این تبرها را ماه به ماه جمع آوری نموده هر کس هر مقدار دارد باشخصیکه طرف اطمینان ملت هستند داده سند موقتی از آنها بگیرند آن وقت این دو عباسی سرمایه آذوقه سالیانه ملت میشود توضیحاً عرض میکنم ملت همه وقت نانرا درشش عباسی بل متجاوز خورد و کبسه محترکین را بر نموده و ابتدا ثمری بحالشان نه بخشیده ولی حالا که درشش عباسی میخورد دو عباسی برای آسایش دائمی سرمایه می ماند و چون مبنای اساس مشروطیت بر عدالت است باید در کلیه بلاد ایران که انجمنهای بلدی منعقد است بهمین ترتیب اعمال نمایند و انجمنهای بلدی نباید در امور تبر و وجوهات ملت مداخله کنند زیرا که انجمن دارای دو تکلیف است یکی اظهار رای او دیگری را ذیلامی نگاریم پس از اینکه باین تیره رفتار نمایند باید تشکیل یک بانک فلاحی بشود که این بانک در کلیه بلاد ایران همه داشته باشد و روسای این بانک یا از زایون و یا از طایفه زردختیان که مقیم هندوستان هستند باید

بود که داد سندر با کند و مثل سایر کارها می نتیجه بماند و بلکه این بانک دارای محسنات عدیده است که تشریح آن محسنات باعث طول کلام میشود ولی برای استحضار خاطر هموطنان محترم دو سه فصلی از نتایج انرا بعرض میرسانم امضاء اقل کاظم تبریزی (بقیه دارد)

اخبار تلکرافتی خارجه

ازلندن بنابر اینکه مولوی حاد بعد از انتخاب بمقام سلطنت بااستعداد و قشون بطرف زباط کوچ نموده ژنرال درود ازدولت فرانسه درخواست نموده که دو هوج دیگر بکمک مشارالیه بفرستد دولت فرانسه مسئلت او را اجابت نموده و امر بحرکت اخراج مز بوره صادر نمود. اند

در روزنامهجات پاریس بطبع رسیده که دولت فرانسه را ابدأ قصدی در فرستادن اردو و قشون بولایات داخله مراکش نیست و حتی المقدور بروفق شرایط و تمهیدات عهدنامه الجریس رفتار خواهد نمود

(استغناء)

چنانچه خاطر قراء محترم مستحضر است مدتی قبل وزیر مالیه بواسطه هجوم ارباب حقوق و مشکلات لاینحل و زحمات فوق الطاقه که اسباب علت مزاج و دوز سر و حلت عصبانی شده بود استغفا کرد و موقع قبول نیافت و خودشانم چون بودجه هذالسنه تمام نشده بود چندان اصراری ننموده تحمل بصدقات کردند و لای این ایام که بودجه را تماما برای ملاحظه بکمسیون مالیه مجلس محترم مقدس شورای ملی فرستادند و ازین بابت قصی نبود ۲۸ شهر رجب استغفای خود را تقدیم کرده و موقع قبول نیافت و برای اصلاح مزاج به بیلاق رفتند که چندی در انجا تغییر آب هوایی داده بمعالجه پیردازند

(اعلان)

د کتر استیانیان حکیم مخصوص دندانسازی اعلی حضرت همایونی در خیابان علاء الدوله رو بروی خانه امیر نظام کارخانه دندانسازی خیلی ممتاز و مکمل باز نموده و قبول می نماید همه جور ناخوشیهای دندان را بمعالجه نماید بطرز بسبک امریکائی و همه روزه صبح از ساعت هشت الی دوازده و یک و سه ساعت ظهر از ساعت دو الی شش فرنگی در محل معروض برای رجوع کنندگان حاضر است

(اعلان اداره)

فردا که روز پنجشنبه سوم شعبان است بواسطه ولادت باسعادت حضرت حیدرالشهداء ۴ اداره تعطیل و روزنامه طبع نخواهد شد مشترکین محترم چشم بر راه نباشند.

(حسن الحسینی الکاشانی)

بباینده و ورقه سهام تعیین نموده تفاوت دو عباسی ملت را تسلیم بانک فلاحت کرده باسم صاحبانی ورقه شرکت گرفته شود و این بانک بطوریکه در اروپا معمول است مشغول فلاح و آبادی املاک میگردد چون ما بواسطه بی علمی باید هر این طور امورات تقلید از اروپائیان نمائیم پس از تشکیل و داتر شدن بانک انجمنی موسوم بانجمن فلاحت مرکب از اشخاصیکه در مدارس تحصیل علم فلاحت نموده و صاحب دیلم شده اند منعقد میشود ایشان دستور العمل علمی بفلاحین میدهند که از روی علم مشغول فلاحت شوند و بدیهی است عقلای مملکت میداند که این بانک در آنک زمانی از همین تفاوت بگن دو عباسی دارای چندین کرور سرمایه خواهد شد ولی برای اخطار توضیح می نمائیم مملکت ایران علی التخمین دارای چهل کرور نفوس است بیست کرور او را برای اشخاص پلر خور و اطفال شیر خوار موضوع میکنیم و بیست کرور دیگر را در شبانه روز هر نفری یک چارک نان خور محسوب می تاریم و از این یک چارک صد دینار باید تمیر گرفته شود بیست کرور صد دینار یکصد هزار تومان است و این روزی یکصد هزار تومان در سال قریب هفتاد یک کرور تومان میشود باچنین سرمایه هکفت که طریق تحصیلش آسان و مایه پایه اساسی محکم است دیری نمیگذرد که هم افراد ملت دارای سرمایه هوایی شده وهم برادران بیکار را مشغول کار کند و مزدور ارزان مملکت آباد و ثروت را زیاد میشود کرد وهمه وقت آذوقه یکساله ملت را در هر بلا تهیه نموده و از چنگ محتکرین بجات یافت و اگر امسال این بانک را تشکیل دهند سال آتی نان یکمیاسی ارزان خواهد شد سه چهار سال نمی گذرد که نان یکمن سه عباسی خواهد بود چون گفتیم بیست کرور جمعیت باید باین ترتیب سرمایه بدهند شاید بعضی ها ایراد نمایند که تکلیف قصبه و قرأ چیست زیرا که اغلب آنها نان از بازار نمی خردند که تمیر گرفته وجه الشراکه را به پیرازند عرض میکنم هر قصبه و قرأیکه دارای صد خانه واریا کمتر یا بیشتر است از میان خودشان اشخاص متدین را انتخاب میکنند و انجمن تشکیل میدهند که از روی تعداد نفوس در ایزای تفاوت یکمن دو عباسی سرخرمن کندم می پیرازند و ثبت کندم را این انجمنها بیانک فلاحت فرستاده باسم صاحبان کندم ورقه سهام میگیرند بانک فلاحت هم این کندم ها را در تحت نظارت خود قرار داده و از برای آذوقه یکساله همان قصبه و قرأ نگاه میدارد چون بدو گفتیم بانک فلاحت باید آذوقه ملت را همه ساله تهیه نماید لهذا همان کندم را برای همان اشخاص تهیه میکند و ورقه سهام میدهد و پوشیده نمااند ملت باید تا پنج سال از منافع وجس که در بانک است چشم نبوشد یعنی تا پنج سال مطالبه منافع نکند و پس از پنجسال مختار خواهند بود برای آنکه این بانک بازت مریحه نخواهد